



هنر و هنرمندان از نخستین کسانی بودند که با انقلاب اسلامی همراه شدند و در به ثمر رسیدن این نهضت مردمی نقش فعالی داشتند به گونه‌ای که «انقلاب فرهنگی» خواندن آن سخنن یجا و مقبول است. نویسندگان و شاعران، سینماگران و تصویرگران و همه و همه دست در دست هم دادند تا مهم‌ترین اتفاق قرن رقم بخورد. با توجه به محدودیت رسانه‌های الکترونیکی و اهمیت رسانه‌های مکتوب و جایگاه ادبیات در دهه‌ی پنجاه، شاعران از تاثیرگذارترین هنرمندان بودند که علاوه بر حضور مداوم در عرصه‌های مختلف، آثار درخشانی و قابل تاملی را از خود به یادگار گذاشتند.

کنایی از مجموعه طرح‌های رنگ‌آمیزی خلاقانه و آرامش‌بخش با مهرامی مجموعه‌ای از هایکوهای خاطره‌انگیز منتشر شد.

«نقش بهشت» نام کتابی است حاوی حدود هفتاد طرح رنگ‌آمیزی بزرگسالان (آر‌ت‌تری) که طرح‌های آن به‌همراه هایکوهایی از علیرضا بهرامی منتشر شده است. این هایکوها بیشتر خاطره‌های کودک و نوجوانی ایرانی‌ها را مانند دوران مدرسه، تعطیلات تابستان و عید نوروز، شامل می‌شود.

در مقدمه‌ی این کتاب با گردآوری فاطمه قزاقی که توسط نشر آرزومان منتشر شده، آمده است:

رنگ‌آمیزی نه‌تنها یک فعالیت مهم آرامش‌بخش و خلایقت‌ساز برای کودکان و نوجوانان، بلکه برای بزرگسالان هم فرصتی است برای رسیدن به آرامشی مؤثر که به زندگی جلوهٔ بهتری می‌بخشد.در تفکرات کهن نیز رنگ تسکین‌دهنده

## طرح ویژه ماه مبارک رمضان در سینماها

سختگوی شورای صنفی نمایش جزئیات طرح ویژه ماه مبارک رمضان برای سینماها را اعلام کرد.

غلامرضا فرجی پس از جلسه یکم خرداد شورای صنفی نمایش در گفت‌وویی با ایسنا بیان کرد:طرح ویژه ماه رمضان اسمال از ۱۲ شب تا سحر اجرا خواهد شد و بلیت سینماها در طول این ماه مبارک تا ساعت ۱۷ به صورت نیم بها خواهد بود.او افزود: بلیت فیلم‌ها از ساعت ۱۷ به بعد هم به صورت تمام بها خواهد بود، ضمن اینکه فیلم‌هایی که سقف تعداد ۱۰ هفته خود را تمام کرده‌اند، در طرح ویژه ماه رمضان می‌توانند از ساعت ۱۲ شب تا سحر نمایش داشته باشند.



# تجلی خرمشهر در ادبیات مقاومت

شاعر دفاع مقدس را می‌توانیم بنیمم که در آن رنگ ماه شجاعت و توصیف دل‌آور مردان فتح خرمشهر که منکی بر ارزش ها و نماد ملی ماست، یافت نشود و چه بسایراند شاعران و نویسندگانی که حماسه خرمشهر انگیزه و الهام بخش شعر گفتن و سخن سرای شان شده است. شعر این قطعه توسط جواد عزیزی از رزمندگان خرمشهر سروده و نخستین بار توسط حسین فخری مهرزم او بر سر مزارش خوانده شد. یک‌سال بعد کویتی‌پور همزمان با سالگرد آزادسازی خرمشهر نوحه را اجرا کرد. ریشه نوحه «ممدنبودی بیینی» به یک مولودی بوشهری متعلق به موسیقی‌های عزاداری برمی‌گردد. این مولودی در سالهای دور توسط جهانیشخ کردی زاده (پخشو) با مطلع «یلا بگفتا ی شه لب تشنه‌کامان / دستم به دامن، اقا الامان» در ایام محرم و صفر خوانده شده است. ناصر تقوایی این قطعه را در فیلم مستند «اربعین» خود نیز با اجرای پخشو آورده است.

این نوحه یک نوای خاطره‌انگیز، به‌جامانده از سال‌های دفاع مردم ایران در جنگ ایران و عراق و دارای ارزش ملی است متن کامل این سروده در پی می‌آید: ممد نبودی بیینی شهر آزاد گشته

## «نقش بهشت» با هایکوهای خاطره‌انگیز

استاد و آرامش‌بخش؛ حال وقتی فرصت رنگ‌آمیزی دهها صفحه طرح‌های استاندارد، هنرمندانه و علمی برای همگان فراهم می‌شود، علاوه بر افزودن رنگ بهتر به زندگی، این فرصت هم فراهم می‌شود که هنرمند درون هر فردی کشف شود.این طرح‌ها طوری طراحی شده‌اند که انگار عشق را، هم در داخل و هم در خارج خطوط، جستجو و درنهایت کشف می‌کنید.ارتباط نوستالژیک با المدهای رنگی و ماندگاری وقتی با الگوهای زیبا و گسترتهٔ انتخابی‌ عظیم از رنگ‌ها آمیخته می‌شود، یک فرصت استثنایی به‌وجود می‌آورد؛ فرصتی تا سرکشی روح را با خیال‌انگیزی چنان درآمیزیم که انگار آهوی خوش نقش و نگار و چابکی در درون هر کدام از ما متولد می‌شود و به اعتلا می‌رسد.این شیوه اکنون در جوامع توسعه‌یافته بیش از هر وسیلهٔ دیگری توصیه می‌شود؛ زیرا یک رفتار باوقار هنرمندانه را تجویز می‌کند که هدف و



نزدیک حس نکرده‌ایم،با این شیوه، ذهن خود را به سمت رویاهای لذتبخشمان هدایت می‌کنیم و به زندگی‌مان بهبود می‌بخشیم. علاوه بر این، یک نوع حس خاطره‌انگیز باگشت به عقب در زمان، ما را سرگرم رنگ‌های بی‌پایانی می‌کند که انگار یک شورشی خفته را به‌شکلی جسورانه و محترم در درون ما بیدار می‌سازد.»

**چهارمین برنامه سال ۱۳۹۶ و اولین برنامه دور جدید مسابقه هزار صدا برگزار می‌شود**

**داوری اخوان، سجادی و مهیار عزیزاده در هزارصدا**





چهارمین برنامه هزارصدا در سال ۱۳۹۶ که اولین برنامه دور جدید آن در این سال است، ساعت ۱۷:۴۵ چهارشنبه سوم خرداد در فرهنگسرای ارسباران برگزار می‌شود.فروردین و اردی‌بهشت اسمال، یک ویژه‌برنامه برگزشتگان دکتر آفتابن سلالمی و دو برنامه فینال برای انتخاب بهترین‌های بخش‌های سنتی و پاپ هزارصدا برگزار شد و به این ترتیب پرونده این برنامه در سال ۱۳۹۵ بسته شد و عصر روز سوم خرداد و هیزمان با نخستین سال‌روز آزادی خرمشهر، دور جدید این برنامه در بخش موسیقی اصیل ایرانی آغاز می‌شود. در این برنامه کنه دآوری بخش آواز آن با هنگامه اخوان، داوری بخش شعر با سیدعباس سجادی و داوری بخش آهنگسازی و نوازندگی آن با مهیار عزیزاده است، سه گروه آوین، شبیرون و عیاران به ارائه برنامه و رقابت خواهند پرداخت. کارشان توسط کارشناس برنامه مورد تحلیل و بررسی قرار خواهد گرفت و در پایان گروه برگزیده انتخاب خواهد شد. به فینال راه خواهند یافت.استاد هنگامه اخوان پیش از این، همراه سال گذشته، برنامه‌ای که به عنوان نیمه نهایی و برای برگزین بهترین‌های برنامه‌های برگزارشده در بهار و تابستان بود، در کنار استاد محمدعلی بهمنی و دلد آزاد حضور در این برنامه را تجربه کرده بود و سید عباس سجادی نیز، پیش‌تر سه بار و آخرین بار در کنار استادان فریبون شهبازیان و حمیدرضا نوربخش به عنوان کارشناس داوری شعر

## نمایش های تئاترشهر در خرداد معرفی شد

چرمشیر و «یک دقیقه سکوت» اثر محمد یعقوبی رو انواش و اجرا می‌کنند.در تالار چهارسو نیز نمایش «چل گیس» به کارگردانی حسین جمالی از روز دوم خرداد ماه به صحنه می‌رود. در این اثر نمایشی بهنام نادری، فرید فرهنگ، وحید نقر، مسیح کاظمی، یلدا عباسی، مجید رحمتی، آرش غلام آزاد و به عنوان بازیگر حضور دارند.در تالار قشقایی هم نمایش «اتاق» نوشته هارولد پینتر و کارگردانی فاطمه علی حسینی روی صحنه می‌رود. رحیم نوروزی، مرتضی اسماعیل کاشی، فرشید ترابی، الهه شه پرست و رویا میرعلمی بازیگران این نمایش هستند.«ترانه ای برای تو» عنوان نمایش جدید



جدیدترین برنامه شب آواز ایرانی با اجرای عباس سجادی و با حضور فریدون شهبازیان و علی اصغر شاه زیدی به عنوان داوران و کارشناسان این برنامه و همچنین اجرای پنج گروه موسیقایی و آوازی و رومانی از این مجموعه موسیقی «ترکس فتان» اثر استاد شهرام میرجلالی برگزار شد. آلبوم موسیقی «ترکس فتان» شامل ۱۲ قطعه موسیقی و با هم‌نوازی تار و تنبک استاد شهرام میرجلالی و رضا تشریزی است. شهرام میرجلالی (زاده ۱۳۳۸،



## تاریخ پایان اجراهای تئاتر شهر اعلام شد

نمایش هایی که هم اکنون در تالار های مختلف مجموعه تئاتر شهر روی صحنه هستند، پنجم خرداد ماه به اجرای خود پایان می دهند.

«بی پدر» به کارگردانی سید محمد مساوات در تالار قشقایی، «روح چمنی» به کارگردانی بابک سجادی، «مخفل بی عاری» به کارگردانی سیاوش بهادری راد در تالار سایه و «بوفالوو آمریکایی» به کارگردانی سیامک زین الدینی در پلاتو اجرا آثاری هستند که هم اکنون در مجموعه تئاتر شهر میزبان علاقه مندان تئاتر هستند.

۵
مستقل

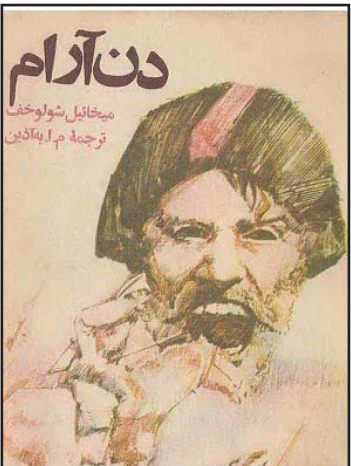
چهارشنبه ۳ خرداد ۱۳۹۳ شماره ۱۵۳

ستون یاد

## شولوخوف و دن آرام



الهام رئیسی‌فردانبه– روزنامهنگار



امروز زادروز شولوخوف نویسنده مطرح روس است ، که با کتاب دن آرام به شهرت جهانی رسید. ستون یاد و کتابخانه ای بسزای زندگی بهتر را این بار در هم تلفیق کرده ایم تا هم از شول‌خوف برنده نوبل ادبیات و هم از دن آرام گویم. در طول حکومت هشتاد ساله ی شوروی «دن آرام» مهم ترین رمانی است که یک بلشویک نوشته است. هنگامی که آخرین جلد این رمان منتشر شد اهالی مسکو شبانه جلوی کتاب فروشی ها صف کشیدند ودر آن دوران میخائیل شولوخوف به قهرمان ملی شوروی تبدیل شده بود.

اهمیت این رمان آن قدر بود که ماکسیم گورکی دن آرام را تنها با جنگ و صلح قابل مقایسه می دانست.

دن آرام علاوه بر این که در داخل شوروی مورد استقبال قرار گرفت، برای نویسنده اش نیز جایزه نوبل ادبیات را به ارمان آورد.

با این که شولوخوف از نویسندگان مطرح و ذی نفوذ در شوروی بود، نقد نویسان رسمی کمونیست به شدت علیه سرانجام کتاب موضع گرفتند و نوشتند : گریگوری (قهرمان رمان) باید به بلوغ می رسید و سرانجام به راه راست می آمد. شولوخوف زیر بار نفرت و به خواست آن ها تن نداد. بخش هایی از این رمان مورد پسند استالین قرار نگرفت و موجب شد که این رمان سانسور شود.

کمونیست بودن شولوخوف موجب نشد که او دست از رئالیسم بکشد و همین نکته موجب شد که خوانندگان غربی و غیر کمونیست این رمان را اثری در نقد بلشویک ها بدانند. سولژیتسین شاهمه کرد که شولوخوف این رمان را ننوشته بلکه دست نوشته های یک نویسنده ی گمنام قزاق را زبیده است. این ادعا بعدها با بررسی دسته نوشته های شولوخوف رد شد.

از این شاهکار ادبی تا به حال دو اقتباس سینمایی ساخته شده است که آخرین آنها محصول سال ۲۰۰۶ است.

شولوخف نخستین قزاقی بود که به ادبیات روس راه یافت. در اوان جوانی، در جنگ جهانی اول و جنگ داخلی شرکت کرد. او نخستین دفتر دن آرام را طی دوران نپ به چاپ رساند. با اینکه منتقدان نسبت به آن نظر مساعد داشتند، موفقیتی نسبی کسب کرد. عینی گرابی و سادگی آن خوانندگان را که بیشتر به ادبیات جانب دار و بی پروا گرایش دارند چندان جذب نمی کند.

سپس دن آرام با جا افتادن رئالیسم سوسیالیستی در نوع خود سمرشق شمرده شد، لیکن محاسن این رمان آن را، مستقل از تمام مکاتب ادبی، در ریف آواز بزرگ فرام می دهد: این اثر حماسه و تراژدی یک ملت و بهترین فرزندان اوست، حماسه ای با صحنه ای عالی و مایه ی غنایی دراماتیک و بیش عینی گرابانه نسبت به استثنای و کرامت انسانی و مردانه و عشق میهن، و تاریخ یک عصر با مردمانش، و در عین حال اثری حاصل تجربه ی زندگی نویسنده.

عده ای دن آرام را با جنگ و صلح قابل قیاس شمرده اند. در حقیقت، شولوف در ساخت رمان خود از تولستوی الهام گرفته است و در آن، مانند وی، آدمهای حقیقی و وهمی را در هم آمیخته است. هر چند وی، به عنوان یک تولستوی، از اظهار نظراهای فیلسوفه درباره ی انسان و معنای تاریخ پرهیز می کند، به خلاف برخی از نویسندگان به مسائل اساسی سرنوشت بشری، چون عدالت و شرف و حقیقت، پاسخ می گوید.

کیفیت تالیفی این رمان را انتقاد کرده اند، زیرا روانی آدمهای ذی نقش در خوانهای داستان و حواشی دارای اهمیت درجه ی دوم، را نشانه ی فقدان وحدت و یکپارچگی دانسته اند. شولوخف گذاری دارد از نگرش به توده ها به سوی سرنوشت این یا آن فرد، از نبرد به توصیف زندگی صحرایی یا صحنه ی عشقی. جریان روایت داستان تابع قهرمان اصلی است. دن آرام، همچون آثار دیگر شولوخوف، «زمین نوآباد» و «سرنوشت انسان»، با ذکر «سواق» و «تبارنامه ی چهره های داستانی آغاز می گردد.

این مدخل جزو اصل داستان به معنای اخص آن نیست. عمل و حادثه در آن کم است، در عوض، توصیف دقیق قوم شناسانه ی افراد و مکان ها؛ دهکده ی قزاقی، «خوترها» املاک بزرگ قزاق ها در آن دیده می شود. زمین داران خشن و دلیر هنوز بدوی و جنگجویند. در همه چیز مقهور غریز و شهوات خویش، یعنی تحمل پرستی و انتقال خوینن اند. از این غره اند که تزار به آنان استقلال داده است. شولوخوف قشرهای مختلف اجتماعی «استانیستا» بخش اول ما را وارد قلمه ی زندگی دو موجود جوان می سازد: گریگوری ملخوف و های زندگی روزمره، زندگی در صحرا، ماهی-گیری در رودخانه ی دن، جشن های عروسی، اعیاد و رقصها، سنها و پیش داورهای ریشه دوانیده را به ما نشان می دهد. بخش اول ما را هراسر قلمه ی زندگی دو موجود جوان می سازد: گریگوری ملخوف و آکسینیا آستاخوا، همسر استپان آستاخوف. آکسینیا، که موجودی است زورمند و آزاد، به ضد کیفیت سیمانه و احمقانه ی سنتت های تقریبا قرون وسطایی، که زبان قزاق اسیر آنان اند، طغیان می کند. در مقابل او، شوهری است ضعیف و مطیع، که ابتدا کوشید تا به همسرش نزدیکی جوید، ولی سپس به سنیهای قادر کردن می نهد.

صورت نوعی آکسینیا در ادبیات روس جا افتاده است. وی، که زنی است متهور، زیبا و مغرور، برای دفاع از حق برخورداری از عشق و خوشبختی آماده ی هر کاری هست، شوهرش به سربازی رفته و او تسلیم عشق گناه آلود می شود و به کام شهوت فرو می رود.

در بخش دوم، نزاعهای خانوادگی به جدالهای تاریخی و تفاهاتی داخلی به تفاهاتی انقلابی دامنه گستر می شود. در نخستین صحنه ی بخش سوم، جنگ جهانی اول آغاز می شود و قزاق ها از محبوه ی زادبوم خود خارج شده اند.

نویسنده دو چهره ی جنگ را به ما می نمایاند: یکی چهره ی غیر انسانی و دیگری چهره ی قهرمانی آن. سپس دو انقلاب، انقلاب فوریه و انقلاب کبیر-اکتبر روی می دهند. به مسازات رویدادها درمقیاس ملی، رویدادهای زندگی خانوادگی و محلی وصف میشوند. در اینجا نیز تغییرات بزرگ را، که بازتاب تغییرات تاریخی اند، شادیم.

کتاب دوم، در چهارمین بخش همان آهنگ تاریخ را اختیار می کند. این، سرآغاز تراژدی قزاقی است. قزاق ها، که قومی جداگانه و نوعی طبقه ی اجتماعی اند، به چه جانی خواهند نمود؟ جوان ها به سوی آینده و انقلاب روی خواهند نمود؟ جوان ها به سوی آینده و انقلاب رو می کنند. سالگردان به گرد آتaman ضدانقلابی صف می بندند. خانواده ها دوباره تقسیم می شوند. در بخش پنجم شاهد تشکیل جبهه ی جدایی خواه مرتجعی تحت حمایت المانی ها هستیم.

دولت حاکم دن را، روس های سفید(ضد انقلابی)، که به سمت قفقاز عقب نشینی می کنند، از سووی و روس های سرخ (انقلابی) از سوی دیگر در میان گرفته اند. نبرد بین جدایی خواهان و کمونیست ها ادامه دارد. توده ی مردم قزاق با اعتماد کمونیست های مسکو را پذیرا می شوند.

ولی جدایی خواهان روس های سفید را به یاری می-طلبند و ناحیه ی دن و انده تانی می شود و تروور ضد انقلابی بر آن حاکم است و استقلال قزاق واژه ای توخالی است. قزاق ها باید در عملیات تهاجمی به مسکو شرکت کنند، ولی تا ورق بر می گردد عقب گرد می کنند. در بخش ششم گریگوری را در جستجوی «حقیقت» قزاقی می یابیم، او وجدانش را به بازجویی می کند.

هر دو طرف مرتکب جنایت می شوند و در هر دو طرف نیز قهرمانهایی هست: مرگ بودنگالوف و لیخافف، رهبران کمونیست، و همچنین مرگ پیوتر، برادر گریگوری، را که بر روس های سفید پیوسته است شادیم. در دو بخش آخرین رمان، گریگوری را می-بینیم که رهبری جنگ چریکی نوپیمانه ای به ضد سرخ ها را اختیار کرده است، ولی او در نزد سفید(ضدانقلابی ها) نیز خود را غریبه احساس می کند و تنها می ماند.

گریگوری زنده می ماند و به دست سرنوشت در هم شکسته می شود. به دهکده ی زادگاهی خود باز می گردد تا خود را تسلیم عدالت نوپیمان کند.منتقدان دن آرام را «حماسه ای تراژیک» خوانده اند، تراژدی یک زوج، یک قوم، یک عصر؛ ولی حماسه ی مردی مغرور، با شهامت و در جستجوی مطلق. نویسنده نه تنها به عنوان داور، بلکه همچنین به عنوان بازیگر همواره در اثرش حضور دارد. وقایع را تحلیل می کند، مانع از انفعال و انتقال های نیروهای اجتماعی و تاریخی را توضیح می دهد. وی علاقه و ستایش عمیقی نسبت به قهرمانان خویش احساس می کند. این انسان دوستی شولوخوف دردناک ترین تحللات سرتاثر ا را با نوعی صفا و روشنی متمایز می سازد.